

پرسش ۱۴۳: آیهی (فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ)

سؤال / ۱۴۳: ما معنى قوله تعالى: (فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ) [217]؟

معنای این سخن حق تعالی چیست؟ (آنگاه که آسمان شکافته شود، چون روغن گداخته گلگون گردد). [218]

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

أي إذا فتح كتاب (الجفر الأحمر) [219]، أي فتحه الله للقائم (عليه السلام). وقد بين الله سبحانه وتعالى أن السماء هي سجل، حيث قال تعالى: (يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ) [220].

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

یعنی هنگامی که کتاب (جفر سرخ) گشوده شود، [221] یعنی خداوند آن را برای قائم (علیه السلام) بگشاید، و خداوند سبحان و متعال بیان فرمودند که آسمان، مانند طومار (سجل) است، آنگاه که حق تعالی می فرماید: (روزی که آسمان را چون طومار نوشته ها در هم پیچیم و چنانکه نخستین بار بیافریدیم، بازش گردانیم. این وعده ای است که برآوردنش بر عهده ی ما است و ما چنان خواهیم کرد.) [222]

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ أَوْ فُتِحَتْ يقرأ فيها القائم (عليه السلام) إرادة الله ومشيبته في القضاء على المنحرفين، وأحكام القيامة الصغرى التي يكون القائم (عليه السلام) هو

الحاكم فيها، قال تعالى: (فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ) ([223])، (يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ) ([224])، فَإِنَّ الْقَائِمَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْبَيِّنَةِ ([225])، بل يحكم بما يقرأ في صفحة السماء التي انشقت، ليخرج منها حكم الله سبحانه ([226]).

هرگاه آسمان شکافته یا گشوده گردد، قائم (علیه السلام) اراده و مشیت الهی بر نابودی منحرفین و نیز احکام قیامت صغری را که قائم (علیه السلام) حاکم در آن می باشد، می خواند. حق تعالی می فرماید: (پس در آن روز از گناه هیچ جن و هیچ آدمی پرسیده نشود) ([227])، و (مجرمان به نشان چهره هاشان شناخته، و از موی جلو سر و پاهایشان گرفته می شوند) ([228]) قائم (علیه السلام) نیازمند شاهد و بینه نیست ([229]) بلکه براساس آنچه در صفحه ی شکافته شده ی آسمان می خواند حکم می راند تا حکم خداوند سبحان را از آن خارج کند. ([230])



[217] - الرحمن : 37.

[218] - الرحمن: 37

[219] - وهو الكتاب المختص بالقائم (عليه السلام) دون باقي الأئمة (ع)، وفيه الكثير من رواياتهم (ع)، ومنها: ما رواه رفيد عن الإمام الصادق (عليه السلام) قال: (يا رفيد كيف أنت إذا رأيت أصحاب القائم قد ضربوا فساطيطهم في مسجد الكوفة، ثم أخرج المثل الجديد، على العرب شديد. قال: قلت: جعلت فداك ما هو؟ قال: الذبح. قلت: بأي شيء يسير فيهم بما سار علي بن أبي طالب (عليه السلام) في أهل السواد؟ قال: لا يا رفيد، إن علياً سار بما في الجفر الأبيض، وهو الكف، وهو يعلم أنه سيظهر على شيعته من بعده وإن القائم يسير بما في الجفر الأحمر وهو الذبح، وهو يعلم أنه لا يظهر على شيعته) بحار الأنوار: ج 25 ص 318.

[220] - الأنبياء: 104.

[221] - این کتاب مختص قائم ع می باشد نه سایر ائمه (علیهم السلام) و در این خصوص روایات بسیاری از ایشان (علیهم السلام) وجود دارد؛ از جمله آنچه رفید از امام صادق ع روایت می کند که فرمودند: «ای رفید، چه حالی خواهی داشت اگر بینی اصحاب قائم خیمه های بزرگ خود را در مسجد کوفه نصب می کنند. سپس آن حضرت چیزی جدید را خارج می کند که بر عرب شدید خواهد بود». پرسیدم: آن چیز جدید چیست؟ فرمود: «قتل و کشتار». عرض کردم: به چه سیرتی با آنها رفتار

می‌کند؟ آیا به همان روشی که علی ابن ابی طالب ع با اهل عراق انجام داد؟ فرمود: «خیر، ای رفید، علی ابن ابی طالب ع به سیره‌ی جفر سفید عمل نمود که دست نگه داشتن بود چرا که او می‌دانست بعد از او بر شیعه مسلط خواهند شد اما قائم به روش جفر سرخ که همان قتل و کشتار می‌باشد عمل می‌کند چرا که می‌داند پس از او بر شیعیانش مسلط نخواهند شد». بحار الانوار: ج 25 ص 318.

[222] - انبیا: 104.

[223] - الرحمن: 39.

[224] - الرحمن: 41.

[225] - عن الباقر (علیه السلام): (یقضي القائم بقضایا ینکرها بعض أصحابه ممن ضرب قدامه بالسيف وهو قضاء آدم (علیه السلام) فیقدمهم فیضرب أعناقهم، ثم یقضي الثانية فینکرها قوم آخرون ممن قد ضرب قدامه بالسيف وهو قضاء داود (علیه السلام) فیقدمهم فیضرب أعناقهم، ثم یقضي الثالثة فینکرها قوم آخرون ممن قد ضرب قدامه بالسيف وهو قضاء إبراهیم (علیه السلام) فیقدمهم فیضرب أعناقهم، ثم یقضي الرابعة وهو قضاء محمد (ص) فلا ینکرها أحد علیه) بحار الأنوار: ج 52 ص 389. ومن الواضح أن داود (علیه السلام) كان یحکم بلا بینة.

[226] - عن معاوية الدهني عن أبي عبد الله (علیه السلام): (في قول الله عز وجل: یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصي والاقدام، فقال: یا معاوية ما یقولون فی هذا؟ قال: قلت: یزعمون أن الله تبارک وتعالی یعرف المجرمون بسیماهم یوم القيامة فیأمر بهم فیؤخذ بنواصیهم وأقدامهم ویلقون فی النار. قال: فقال لی: وكيف یحتاج الجبار تبارک وتعالی إلى معرفة خلق أنشأهم وهو خلقهم؟ قال: فقلت: فما ذاك جعلت فداك؟ قال: ذلك لو قام قائمنا إعطاء الله السیما فیأمر بالكافر فیؤخذ بنواصیهم و أقدامهم ثم یخبط بالسيف خبطاً) بصائر الدرجات: ص 376، بحار الأنوار: ج 52 ص 320 - 321. وعن أبي عبد الله (علیه السلام)، قال: (إذا قام قائم آل محمد حکم بین الناس بحکم داود، لا یحتاج إلى بینة، یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه، ویخبر کل قوم بما استبطنوه، ویعرف ولیه من عدوه بالتوسم، قال الله تعالی: إن فی ذلك لآیات للمتوسمین) إعلام الوری بأعلام الهدی: ج 2 ص 292 - 293.

[227] - الرحمن: 39.

[228] - الرحمن: 41.

[229] - از امام باقر ع روایت شده است که فرمودند: «قائم (ع) به گونه‌ای قضاوت می‌کند که برخی از یارانش که در کنارش جنگیده‌اند، آن را نمی‌پسندند و آن، قضاوت آدم ع است. پس به سمت آنان می‌رود و گردنشان را می‌زند. سپس برای بار دوم قضاوت می‌کند و گروهی دیگر از آنان که در صفش جهاد کردند، آن را نمی‌پسندند و آن قضاوت داوود ع است پس به سمتشان می‌رود و گردن‌هایشان را می‌زند. سپس برای بار سوم قضاوت می‌کند که قضاوت ابراهیم ع است، باز گروهی از آنان که با شمشیر در راه او جنگیده بودند، قضاوتش را نمی‌پسندند پس به آنان رو می‌کند و همه را گردن می‌زند. سپس برای بار چهارم قضاوت می‌کند که قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است که کسی بر او اعتراض نمی‌کند». بحار الانوار: ج 52 ص 389.

[230] - از معاویه‌ی دهنی از ابا عبد الله (ع) روایت شده است: در خصوص این سخن خداوند عزّ و جل (يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَتِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ) (مجرمان به نشان چهره‌هاشان شناخته، و از موی جلو سر و پاهایشان گرفته می‌شوند) فرمودند: «ای معاویه! در این مورد چه می‌گویند؟». معاویه می‌گوید: عرض کردم: گمان می‌کنند خداوند تبارک و تعالی مجرمان را در روز قیامت با چهره‌هاشان می‌شناسد، پس آنان از موی پیشانی و پا گرفته و در آتش افکنده می‌شوند. امام ع به

من فرمودند: «و چگونه خداوند جبار تبارک و تعالی نیازمند شناخت آن خلقی می‌باشد که خودش آنها را آفریده است؟» عرض کردم: فدایتان کردم! در مورد چیست؟ فرمود: «آنگاه که قائم (ع) ما قیام کند، خداوند همه‌ی چهره‌ها را می‌نمایاند. پس کافر را با موی پیشانی و پا می‌گیرد و سپس با شمشیر سخت بر او می‌زند». بصائر الدرجات: ص 376؛ بحار الانوار: ج 52 ص 320 و 321.

از امام صادق ع روایت شده است: «آنگاه که قائم آل محمد (علیهم السلام) قیام کند، میان مردم به حکم داوود ع حکم می‌راند و نیاز به دلیل و بیینه ندارد. خداوند به او الهام می‌کند و او به الهامش حکم می‌راند، و هر قوم را به آنچه درونشان است، آگاه می‌سازد و با نشانه‌ها دوست و دشمنش را می‌شناسد. حق تعالی می‌فرماید: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ) (در این، عبرت‌ها است برای هوشیاران)». إعلام الوری بإعلام المهدي: ج 2 ص 292 و 293.